



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۳/۲۱

م. اسحاق نگارگر

نوروز

با اسلام در تخالف و تصادم نیست!

هرچند من باز هم درباره این موضوع صحبتی مفصل تر خواهم کرد اما اینک آنچه را قبلاً نوشته بودم این جا به تکرار می گویم که نوروز با اسلام و اسلام با نوروز کاری ندارد. نگارگر ۱۵ مارچ ۲۰۱۸ برمنگهم



نوروز با اسلام در تخالف و تصادم نیست!

ملت هایی که اسلام را به عنوان یک دین پذیرفته اند پیش از قبول اسلام برای خود رسم و رواج و عنعنه و فرهنگ داشته اند و برخورد اسلام با این عنعنه و فرهنگ بسیار ساده ور و راست بوده است. با آن عنعنات و رسوم قبیلوی که اصول اعتقادی اسلام را نقض نمی کنند کاری نداشته باشید و از جاهلانی که در این مورد به صورت شکلی و میخانیکی برخورد می کنند اعراض بنمایید. به اساس همین اصل بود که برخی از عنعنه های خجسته روزگار جاهلیت در اسلام ابقا شد و در دربارهای پادشاهانی که بعد از استقلال سیاسی در گوشه گوشه جهان اسلام به وجود آمدند روز های تاریخی و عنعنوی را که با اصول اعتقادی اسلام برخورد نمی کرد دوام دادند.

شما به من بگویید که کدام یک از شیخان فتوی دهنده امروز به طور مثال مسلمان تر و راسخ العقیده تر از حضرت شیخ شیراز سعدی بوده اند؟

سعدی قصیده های بسیار برارنده در وصف نوروز دارد که نه تنها با اصول اعتقادی اسلام در تضاد نیست بلکه آن اصول را به شیوه زیبا و شاعرانه در مغز خواننده جا می دهد.

مطلع یکی از آن قصاید این است:

بامدادان که تفاوت نکند لیل و نهار
خوش بُود دامن صحرا و تماشای بهار

و او در همین قصیده است که معجزات پروردگار را در دوباره زنده گردانیدن طبیعت می بیند و از آن بدین نتیجه زیبایی فلسفی می رسد که:

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

بیدل دوباره زنده شدن طبیعت را با گل های زیبا که از خاک می روید در نظر گرفته می گوید:

بهار نامه یاران رفته را ماند
گلی که وا کند آغوش در برش گیرید

حالا این بهاری که همانند نامه یاران رفته از دنیاست برای ما از آن یاران چه پیغام می دهد؟ همان پیغام که حضرت مولانا داده است یعنی:

کدام دانه فرو رفت در زمین که نرُست
چرا به دانه انسانت این گمان باشد؟

به هر صورت یکی از صدها مشکل ما مسلمانان این نیز است که برخی ها با سمبولیزم ژرفی که در دین وجود دارد برخورد شکلی می کنند و کلمات را تنها به همان معنای ظاهری آن می بینند. از دیدگاه فقه برای این که امری را حرام بدانیم یک حکم صریح قرآن به کار است که آن را منع کرده باشد و یا حدیث صحیح حضرت رسول کریم که تمام شرایط یک حدیث صحیح را دارا باشد یعنی سلسله راویان در آن معلوم و حدیث بر خلاف عقل سلیم یا بر خلاف حکم قرآن کریم نباشد. با احادیث حسن، ضعیف و مرفوع نمی توان استنتاج فقهی کرد.

"ابوریحان البیرونی" که هیچ کس در مسلمانی او نیز شک ندارد در کتاب معروف آثار الباقیه خود (ص ۳۲۵ - ترجمه اکبر دانا سرشت) می گوید:

"عبدالصمد بن علی در روایتی که به جد خود ابن عباس آنرا می رساند نقل می کند که: «در نوروز جامی سیمین که پُر از حلوا (ظاهراً سَمَنَک - نگارگر) بود برای پیغمبر هدیه آوردند و آن حضرت پُرسید که این چیست؟

گفتند: امروز روز نوروز است. پُرسید که نوروز چیست؟

گفتند: عید بزرگ ایرانیان است

فرمود: آری در این روز بود که خداوند عسکره را زنده کرد پُرسیدند عسکره چیست؟

فرمود: عسکره هزاران مردمی بودند که از ترس مرگ ترک دیار کردند و سر به بیابان نهادند و خداوند به آنان گفت: بمیرید و مُردند و سپس آنان را زنده کرد و ابرها را امر فرمود که بر آنان ببارد از این روست که پاشیدن آب در این روز رسم شده است. سپس از آن حلوا تناول کرد و جام را میان اصحاب خود قسمت کرد و گفت: کاش هر روزی برای ما نوروز بود."

در این گفته رسول کریم نیز نوعی سمبولیزم دیده می شود یعنی ما انسان ها همه همان عسکره استیم که از مرگ می ترسیم و خدا (ج) در نوروز با زنده گردانیدن دوباره طبیعت در دل های ما خورشید امید را می تاباند که اگر گل و گیاه به زندگانی دوباره می رسند چرا انسان ها نرسند. این که پیامبر (ص) گفت: موتوا قبل أن تموتوا (بمیرید پیش از آنکه مُرده باشید) معنایش همین است که اگر ما پیش از فراز آمدن مرگ مُرده باشیم شیوه برخورد ما با دیگر انسان ها کاملاً فرق می کند.

مثالی برای تان بدهم: اگر مردی بداند که فردا او را اعدام می کنند و همین امشب آخرین شب زندگی او است برخوردش با دیگر انسان ها و مال دنیا چه گونه خواهد بود؟

آیا او باز هم با حرص و افزون طلبی به گردآوردن ثروتی که مال او نیست خواهد پرداخت یا با همه مهربان خواهد شد و خواهد فهمید که شیوه الهاکم التکاثر حتی زُرم المقابر (تا وقتی که به قبرهای تان می رسید افزون طلبی دارید.) به درد مردان خدا نمی خورد.

و اما درسی که ما باید از نوروز بگیریم همین است که به همان شیوه موتوا قبل أن تموتوا زنگ های کینه، نفرت و دشمنی را از دل های خود بزدايیم و شکرگزار باشیم که خدا مدتی دیگر برای ما فرصت زندگی عطا کرده است که انسان باشیم و مانند انسان زندگی کنیم و برای فردا که از ما نمی پُرسند: "بگو چه مقدار ثروت آوردی؟" بلکه می پُرسند: "بگو به خاطر خدایت چه تعداد دل های بینوا را شاد کردی و با قطع جنگ و خشونت چه اندازه رحمانیت و رحیمیت خدارا در عمل خود نشان دادی؟"

این است درسی که از نوروز می توان گرفت.

نوروز برای همه هموطنان غم دیده و رنج کشیده مبارک باد! خدا به مردم توفیق بدهد که خود را از بیچیزی و بیچارگی و احتیاج همسایگان دور و نزدیک نجات بدهند که دیگر فرزند افغان مجبور نباشد خطر غرق شدن در دریا های مخوف را بپذیرد. نوروز تان علی رغم زُنگ زُنگ ملا های قشری و ظاهربین مبارک باد!

با عرض خُرمات روز سه شنبه پانزدهم مارچ ۲۰۱۶ برمنگهم نگارگر